

نوستالژی بازی با شعارهای انقلابی در یک رمان

۱۲ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۲۹

به تعبیری خواننده‌ای که این شعارها را شنیده باشد با خواندن این رمان، خاطرات آن روزها برایش زنده می‌شود و کمی نوستالژی بازی می‌کند.

«این است شعار ملی، خدا، قرآن، خمینی»، «برادر ارتشی، تا کی برادر گُشی»، «در بهار آزادی، جای شهدا خالی»، «ننگ بر این سلطنت پهلوی»، «هیئات هیئات، هیئات من الذله»، «زیر بار ستم، نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی»، «این سند جنایت پهلوی‌ست»، «وای اگر خمینی حکم جهادم دهد، ارتش دنیا نتواند که جوابم دهد»، «توپ تانک مسلسل، دیگر اثر ندارد» و ... این‌ها بخشی از شعارهایی است که در روزهای منتهی به انقلاب اسلامی مردم با دل و جان سر می‌دادند و با فریاد کشیدن آنها خواستار تغییر رژیم بودند.

وجیهه علی اکبری سامانی نویسنده برگزیده جشنواره داستان انقلاب رمانی با عنوان «آن مرد با باران می‌آید» دارد که انتشارات سوره مهر آن را منتشر کرده است.

در این رمان خواننده با شخصیت پسرکی نوجوان به اسم «بهزاد» رو به رو می‌شود که به عبارتی سرش به کار خودش است و از دور و بر خود چندان اطلاعی ندارد و این موجب می‌شود که سلسله‌ای از اتفاقات را از سر بگذارند تا به انتهای رمان برسد.

او در خانواده‌ای است که برادر بزرگتر آنها (بهروز) یک دانشجوی مبارز است و علیه رژیم پهلوی فعالیت مبارزاتی می‌کند اما پدرشان با این کارهای مخالف است، البته این مخالفت از جنس همراهی با رژیم نیست بلکه بیشتر از جنس دلواپسی و نگرانی پدرانه است.

«بهزاد» در مدرسه متوجه تحرکاتی می‌شود اما کلا از مرحله پرت است که این پرت بودن موجب می‌شود که دوستانش این را پای «ترسو» بودن او بنویسند و بهزاد برای اینکه خلاف این را ثابت کند با ترس و لرز پا به میدان می‌گذارد و فعالیت‌هایی می‌کند. قضیه وقتی جدی می‌شود که بهزاد خبردار می‌شود خواهرش «بهناز» نیز دستی در مبارزه دارد.

از آنجا که تشویق‌های بهروز در ورود بهزاد به مبارزات بی‌تاثیر نیست کم‌کم در جریان علت مبارزه نیز قرار می‌گیرد و به تعبیری

به بلوغ فکری نیز می‌رسد و اقدام مبارزاتی‌اش با شعور همراه می‌شود.

نکته‌ای که پیرامون رمان «آن مرد با باران می‌آید» می‌توان به آن اشاره کرد حضور موثر و چشمگیر خانواده در آن است. از آنجا که این رمان برای مخاطب نوجوان نوشته شده حضور اعضای خانواده و وجوب احترام به بزرگان خانه بدون اشاره مستقیم در لایه‌ای پنهان بیان می‌شود و خواننده متوجه اهمیت خانه و خانواده می‌شود که این نکته را باید مورد تمجید قرار داد.

شعارهایی که از روزگار مبارزات مردمی ملت ایران علیه رژیم پهلوی به یادگار مانده در واقع بیانگر بخشی از تاریخ این کشور است. شعارهایی که بیانگر یک شرایط خاص است و به نوعی واکنش مردمی در قالب شعار به اقدامات دستگاه سلطنت است.

در این رمان بسامد شعارها بالا بوده و خواننده هر جا پا به پای شخصیت وارد خیابان می‌شود این شعارها را می‌بیند که یا روی دیوارها و اعلامیه‌ها نوشته شده و یا اینکه از دهان مردم کوچه و خیابان در قالب تشییع جنازه، دسته عزاداری و ... غیره سر داده می‌شود و به تعبیری خواننده‌ای که این شعارها را شنیده باشد با خواندن این رمان، خاطرات آن روزها برایش زنده می‌شود و کمی نوستالژی بازی می‌کند.

این اثر با توجه به اینکه سال ۹۱ منتشر شده اما بعد از این چند سال به خوبی از سوی انتشارات سوره مهر معرفی نشده و خواننده آن را ندیده و شاید بتوان اینطور گفت که ناشر دغدغه‌ای برای معرفی و شناساندن آن به خواننده نداشته است و همین موجب ایجاد علامت سوال بزرگی در ذهن خواننده می‌شود که چرا کتابی با این کیفیت اینطور مورد بی‌مهری ناشر قرار گرفته است؟ در حالی که همین ناشر برای برخی کتاب‌های دیگر انرژی مضاعفی می‌گذارد تا آنها را به خواننده معرفی کند.

در مجموع رمان «آن مرد با باران می‌آید» اثر وجیهه علی اکبری سامانی اثری روان، بدون پیچیدگی و ساده است که ماجرای رشد فکری یک نوجوان را مطرح کرده است. «آن مرد با باران می‌آید» را انتشارات سوره منتشر کرده است.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۷۵۲/رمان-یک-انقلابی-شعارها-باز-پ-نوستالژی/>